

روانشناسی آموزش

با تگه خود آگاهی

(ویژه دوره های ابتدایی و راهنمایی)

رویا محمدی

محمّدی، رویا، ۱۳۵۶ -

روانشناسی آموزش با نگاه خودآگاهی (ویژه دوره‌های ابتدایی و راهنمایی / رویا

محمّدی.

مشهد: شاملو، ۱۳۹۵.

۱۶۰ ص.

۹۷۸-۶۰۰-۱۱۶-۶۲۸-۰

فپای مختصر.

فهرست‌نویسی کامل این اثر در نشانی:

<http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است.

روانشناسی آموزش با نگاه خودآگاهی

رویا محمدی

چاپخانه: مهرتوس

چاپ اول، بهار ۹۵

شماره: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۱۱۶-۶۲۸-۰

انتشارات شاملو

مشهد - ابتدای بلوار صیاد شیرازی مجتمع ستا سنتر واحد ۲۱۳

تلفن : ۳۸۹۴۳۲۲۳ (۰۵۱) - همراه : ۰۹۱۵۱۱۱۵۶۰۸

shamlo.pub@gmail.com



نشر شاملو

فهرست

مقدمه	۹
-------	---

بخش ۱: اهمیت متقابل راهکاری برای پیشرفت

تعامل با دانش آموزان	۱۶
چهار رهنمود برای تعامل با دانش آموزان	۱۸
رهنمودها در عمل	۲۲
دانش آموزان نیاز به سبب معلم دارند	۲۶
عصبانیت دانش آموزان الزاما به خاطر شما نیست	۲۸
یاد بگیرید که زبان‌تان را ندانید	۲۹
حرف هایی که می زنید مهم است	۳۰
هر کنش متقابل فرصتی برای یادگیری است	۳۱

بخش ۲: حفظ تعادل انضباطی

جدال های شخصیتی گذشته	۳۹
ایجاد مرزها	۴۰
یک فرایند چهار مرحله ای برای روش تربیتی همراه با دانش آموزان	۴۲
جدال های خود را انتخاب کنید	۴۶
ارجاع به دفتر	۴۸
کمک به دانش آموز برای تغییر رفتار	۵۰
اخراج موقت از کلاس	۵۲
یافتن راه حل و اشتباه کردن	۵۳

بخش ۳: کنترل و حل چالش های معمولی

دعوا و سر و صدا در سالن	۵۹
سر و صدا در کلاس درس	۶۲

کار دسته جمعی که کم تر از کار گروهی است	۶۶
دانش آموزانی که وسایل درسی لازم را ندارند	۶۸
خوردن و نوشیدن در کلاس	۷۱
حضور نامنظم	۷۲
عوامل خارجی که در تدریس وقفه ایجاد می کنند	۷۳
تمرکز ضعیف	۷۳
گفتار بی ادبانه	۷۴
تکالیف ناقص و انگیزه ی کم	۷۵

بخش ۴: رفع نیازهای دانش آموزان از طریق ارتباط صحیح

اعتماد	۸۱
یک گوش شنوا و دلسوز	۸۴
حس امکان پذیری	۸۵
نظم	۸۶
احترام	۸۹
پذیرش	۹۰

بخش ۵: اصول برقراری ارتباط عاطفی با دانش آموزان

آشنا شدن با دانش آموزان	۹۵
فهم مشترک رهنمودهای رفتاری و پیامدهای آن	۹۸
مسائل ناراحت کننده و انجام توافقات ویژه	۹۹
نشان دادن اعتماد به نفس خودتان	۱۰۰
ارزیابی مولفه های متعدد درک	۱۰۲
نمره دادن حساب و کتابی دارد	۱۰۴
اهمیت یک دفتر نمره ی حاوی اطلاعات مفید	۱۰۶
در مورد کسانی که با آن ها همنشینید آگاهی داشته باشید	۱۰۸
تکالیف غیر آموزشی	۱۰۹

بخش ۶: توجه به نکات کوچک در اداره کلاس

- ۱۱۴..... شروع کلاس
- ۱۱۶..... برنامه ها، دستورالعمل ها و بحث های روزانه
- ۱۱۸..... گذارهای خیانت آمیز
- ۱۱۹..... جمع بندی درس
- ۱۲۰..... کارهای کاغذی: بخش مربوط به معلم
- ۱۲۲..... کارهای کاغذی: بخش مربوط به دانش آموز
- ۱۲۲..... یک سیستم تحویل/ برگشت برای تکالیف
- ۱۲۲..... سیستمی برای نگهداری سولانی مدت کارهای مهم
- ۱۲۴..... معلمان جایگزین
- ۱۲۶..... اجازه نامه ها برای رفتن به استشیا
- ۱۲۷..... تکالیف کار در خانه
- ۱۲۸..... تکالیف خواندنی
- ۱۲۹..... گرفتن آزمون

بخش ۷: انتظارات و پاسخگویی

- ۱۳۴..... حضور در کلاس
- ۱۳۵..... کار جبرانی
- ۱۳۶..... در میان گذاشتن نگرانی هایتان
- ۱۳۶..... دخیل کردن والدین
- ۱۳۸..... تماس با دانش آموزان
- ۱۳۹..... کشف تشویق کننده
- ۱۴۰..... تعهد اشتباه
- ۱۴۱..... حفظ انتظارات در سطح بالا
- ۱۴۲..... چند جمله در تحسین تحسین

بخش ۸: تکنیک‌های برنامه‌ریزی تحصیلی

- ۱۴۸..... شعله‌ور شدن دوباره‌ی عشق به یادگیری
- ۱۵۰..... درس‌های زندگی
- ۱۵۱..... تدریس دانسته‌های دانش‌آموزان به خودشان
- ۱۵۱..... ارزش آموزش
- ۱۵۵..... چطور علایق دانش‌آموزان را هدف بگیریم؟
- ۱۵۵..... انعطاف در مورد طرح درس
- ۱۵۷..... سخن آخر
- ۱۵۹..... منابع

www.ketab.ir

مقدمه

معلمی شغل انسانی است. جمله‌ی ما بارها و بارها این جمله را شنیده‌ایم و بر در و دیوار مدارس خوانده ایم. آری، معلمی شغلی است که باید روح و جان با کارت در هم تنیده شود اگر می‌خواهی شاگردانت به مراتب والا، دست یابند باید با تمام وجود در انتقال مفاهیم و اندیشه‌ها به آن‌ها بنوشتی. و این مستلزم کار و تلاش و مطالعه‌ی بی وقفه‌ی توست. مخصوصاً تدریس در دوره ابتدایی و راهنمایی به زحماتی دو چندان نیازمند است اولین تجربه‌ی ای را که در مقدمه بیان می‌کنم اینست که کلاس خود را با قلبتان اداره کنید و همواره در مطالعه و جست و جوی بهایم‌های برخورد مثبت و کارا با دانش‌آموزان باشید. در اوایل سال‌های خدمت‌م وقتی که در کار خسته شده بودم و در فکر راه‌گریزی بودم هجوم افکار خواب و خور را از من گزیده بود. تا اینکه بالاخره جرقه‌ای فکر مرا به خود مشغول کرد و تصمیم گرفتم هر طور شده راهم را ادامه دهم و آن را نیمه رها نکنم و برای تحقق این امر ابتدا از خودم شروع کردم و انتظارات نابجا را دور ریختم.

من همواره انتظار داشتم که همه تغییر کنند، اما خودم همان فرد قبلی باقی مانده بودم. انتظار داشتم کودک گستاخ خوش رفتار باشد، اما برای تشویق او به رفتار خوب هیچ کاری نمی‌کردم. انتظار داشتم دانش‌آموز ناموفق به اندازه‌ی استعدادش کار کند اما هیچ کاری نمی‌کردم که او را به این سمت سوق دهم. من حتی انتظار داشتم که دانش‌آموز با انگیزه همان طور مشتاق و با انگیزه بماند اما در راستای رسیدن به این

هدف هیچ اقدامی انجام نمی‌دادم. این طور بود که چشم‌هایم را باز کردم، به کار تدریس باز گشتم و هیچ‌گاه به پشت سر نگاه نکردم.

من به عنوان یک معلم شناخته می‌شوم. این کاری است که مقدر شده من انجام بدهم و معلمی برای من همچون هنر برای هنرمند، یک بازی خوب برای ورزشکار و تشخیص درست بیماری برای پزشک، ارزشمند است. وقتی می‌بینم که دانش‌آموزان برای فهمیدن چیزی تلاش می‌کنند و به شناخت جدیدی از آن مفهوم و احترام جدیدی برای خودشان می‌رسند، خستگی ساعت‌ها تلاش من برای تدریس به آن‌ها برطرف می‌شود.

اگرچه من راه خود را برای بازگشت به کلاس درس پیدا کردم، خیلی‌ها موفق به این کار نمی‌شوند. و وقتی که تقریباً نیمی از معلمان کلاس درس خود را در پایان سال پنجم کارشان ترک می‌کنند، باعث می‌شوند که تجربه‌ی عظیمی برای مدارس و جوامع ما از بین برود. ما مهارت‌های عملی را که یک معلم فقط می‌تواند از طریق کار با دانش‌آموزان به دست بیاورد، بینش‌های به دست آمده از طریق ارتباط با دانش‌آموزانی که دارای پیش‌زمینه‌های فرهنگی گوناگون هستند و اشتیاق کسی را که همت کرده تا زندگی کودکان را تغییر دهد، از دست می‌دهیم.

امروزه، اصل کلی راهنمای من به عنوان یک معلم این است که یک جامعه‌ی یادگیری را در چهار دیواری کلاس درس ایجاد کنیم. من جامعه‌ی یادگیری را به صورت گروهی از افراد که با روحیه‌ی مثبت گرد هم می‌آیند تا بر خلاصه‌ی مهارت‌های ظاهری، اقتصادی، مذهبی و پیشرفت تحصیلی به همدیگر در یادگیری کمک کنند و از یکدیگر حمایت نمایند، تعریف می‌کنم. جوامع یادگیری هم برای دانش‌آموزان و هم برای معلمان باعث افزایش کنجکاوی، تفکر در سطح برتر، مهارت‌های بین فردی و اعتماد می‌شود. همان طور که اشاره کردم راه حل اصلی برای ایجاد جامعه‌ی یادگیری این است که کلاس خود را با قلبتان اداره کنید و منظور من این است که با توجهی دلسوزانه جو کلاس را تحت تاثیر قرار دهید. این شامل توجه به تعامل با دانش‌آموزان، طرح درس، تصمیمات در مورد محل و ترتیب نشستن دانش‌آموزان در کلاس، نگرانی‌های انضباطی،

نمره دهی و غیره می باشد. بذل توجه به دانش آموزانتان در ابتدا یک جامعه ی یادگیری را به وجود می آورد و آن ها از این طریق الهام می گیرند که چه در مدرسه و چه در دنیای بیرون بهترین خودشان باشند.

زمانی که به کلاس درس خود برگشتم، روش کارم را در مورد آن چه که قبلا از شغل خود درک کرده بودم، تغییر دادم. به جای این که فرمانده باشم به یک یاری رسان تبدیل شدم. فرمانده دستوراتی را که از مقامات بالاتر به او ابلاغ شده اند صادر می کند و چندان به ناهنجاری های دانش آموزان فکر نمی کند. در صورتی که فرد یاری رسان رهنمودهایی را ارائه می کند که به او کمک می کنند تا دانش آموزانش را بشناسد و بنابراین بتواند راهی پیدا کند تا به آن ها کمک نماید به اهداف تحصیلی شان برسند؛ این راهی است که به سابقه ی آن ها، به این که آن ها چه کسی هستند و این که چه چیزهای دیگری در زندگی آن ها وجود دارد توجه می کند. برای این که به یک یاری رسان تبدیل شوم می بایست روش وسیع گویی خود به رفتارهای دانش آموزانی که اذیت می کردند را تغییر می دادم. می بایست قبول می کردم که دانش آموزانم دیدگاه های متفاوتی نسبت به دیدگاه های من دارند و دید می پذیرفتم که تفاوت چیز خوبی است.

از همه مهم تر، باید به دانش آموزان اهمیت می دادم و این کاری بود که قبلا واقعا به خودم اجازه ی انجامش را نمی دادم. البته رفتار دانش آموزان با آن ها داشتم و می خواستم که موفق شوند، اما نمی توانم بگویم که معلم دانش آموزان برایشان بودم. صادقانه بگویم، فکر می کردم که دلسوزی کار خطرناکی است. نگران این بودم که چنان چه آن ها نگرانی من نسبت به خودشان را به سخره بگیرند یا آن را جبرانی نکند احساساتم لطمه ببیند. می ترسیدم که مبادا درگیر نگرانی های شخصی دانش آموزانم شوم و پیشرفت تحصیلی آن ها را نادیده بگیرم. نگران بودم که مدیریت فکر کند که به آن ها آسان گرفته ام. اما در مرتبه ی دوم، تصمیم گرفتم این ریسک را بکنم و به خودم اجازه بدهم که به دانش آموزانم اهمیت بدهم تا آن ها را تربیت کنم و مهارت یادگیری شان را پرورش دهم. من به خاطر همین کار، اکنون یک معلم شادتر، بهتر و فرد ثروتمندتری هستم. امید بزرگ من این است که با گشودن قلب خود به روی دانش آموزانم، زندگی آن

ها را پر بارتر کرده باشم. آرزوی من برای شما که این کتاب را می خوانید این است که شما و دانش آموزانتان از طریق نگرانی دلسوزانه ی خودتان توانگری بیشتری یافته باشید.

www.ketab.ir